

## درهم تنیدگی مسائل جامعه ای و آسیب های اجتماعی

دکتر حبیب آقابخشی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

چکیده

مسائل جامعه ای، ناظر بر وضعیت و شرایطی است که به اعتقاد اکثریت افراد جامعه، شرایط مزبور، کیفیت زندگی افراد و گروههای اجتماعی را مختل می کند، مهمترین ارزشهای عام را به خطر می اندازد و به رغم تلاشهای فراوانی که افراد به عمل می آورند، به آرمانها و هدفهای مشروع خود دست نمی یابند. از این رو افراد و گروههای اجتماعی به این باور می رسند که برای تغییر یا اصلاح وضع موجود، باید به اقدامی اجتماعی دست زنند. در واقع ریشه مسائل جامعه ای در بطن نهادهای اجتماعی است که بر اثر کارکرد نامناسب آنها شکل می گیرد و در گذر زمان چهره می نماید و فراسوی افراد و گروههای اجتماعی می رود و جنبه های عینی و ذهنی به خود می گیرد. مسائل جامعه ای در متن جامعه به بار می نشینند و در بستر زمان می توانند به آسیب دیدگی افراد منجر شده، بسترهای انحرافی را فراهم سازند و در مواردی که با پیگرد قانونی همراه شوند به آسیب های اجتماعی مبدل گردند.

بر خلاف مسائل جامعه ای، مسائل فردی مربوط به وضعیت شخص و ارتباط بلافصل او با دیگران است. در مسائل فردی، تنها ارزشهای مورد نظر فرد تهدید می شود و به همین دلیل با مراجعه به فرد، می توان به مسأله فردی او پی برد و در صدد چاره بود. در حالیکه در مسائل جامعه ای با مراجعه و تمرکز بر افراد نمی توان به ریشه و دلایل پیدایش مسائل جامعه ای دست یافت و از این رو رویکردهای فردی، چاره ساز نیست، لیکن امروز برخی از پژوهشگران به طرز زیرکانه ای از طرح مسائل جامعه ای طفره می روند و به جای آنها مسائل فردی کم ارزش را پر بها می سازند.

مسائل جامعه ای آنچنان درهم تنیده اند که با دستکاری یک مسأله، زمینه های نهان مسائل دیگر عیان می گردد و بر این اساس، در برخورد با مسائل جامعه ای، رویکرد و توجه به متن و ساختار جامعه برتری خود را نمایان می سازد. در نگاهی گذرا می توان دریافت که:

— مسائل جامعه ای، سرمنشاء اجتماعی یکسانی دارند،

— از وضعیت آرمانی جامعه منحرف شده اند،

— مسائل جامعه ای، به یکدیگر مرتبط اند،

— دارای نتایج و پیامد

های مخرب اند،

برخورد با مسائل جامعه ای، نیازمند شکل گیری افکار و نظریه ها، مباحثات و برنامه ریزیهای نرم افزاری است تا بر آن اساس، از طریق تفکر، خلاقیت و مشارکت واقعی مردم اقدامات اجتماعی برای اصلاح یا دگرگونی در وضعیت موجود صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: مسائل جامعه ای، بی سازمانی، آسیب های اجتماعی

## بیان موضوع

مسائل عام زندگی جمعی را به دوگونه می توان بازشناخت . مسائل طبیعی نظیر طوفان و زلزله که وقایعی ازهم گسیخته اند و هر از گاهی رخ می دهند و ساخته و پرداخته دست بشر نیستند و معمولاً خارج از کنترل افرادند . این مسائل می توانند به مسائل جامعه ای تبدیل شده و یا تحت شرایطی موجب پیدایش آسیب های اجتماعی گردند . دسته دیگر مسائلی که به دست خود انسان ایجاد می شوند ، دشوارترند و همیشگی ، نظیر جنگ ها و بحرانهای اقتصادی و سیاسی . این مسائل از عملکرد نامناسب سازمانها و نهادهای جامعه ناشی می شوند و شرایطی را در جامعه فراهم می سازند که افراد و گروههای اجتماعی آن جامعه به رغم تمامی تلاش ها و فعالیتهایی که می کنند به آرمانها و هدفهای مشروع خود دست نمی یابند . در چنین شرایطی ، جامعه نیز از انسجام لازم در روابط متقابل بین افراد و جامعه عاجز می ماند و در نتیجه هنجارها و مقرراتیکه موجب تنظیم روابط اجتماعی می گردند نادیده گرفته می شود و بر این اساس هنجارهای اجتماعی ، مقررات و ارزشهای مورد قبول عام یا به درستی به نسلهای بعدی منتقل نمی شوند و یا به دشواری صورت می گیرند . برای نمونه در شرایط مستعدی از ساختار جامعه که کارکردهای نهادهای اجتماعی آن نظیر کارکرد اجتماعی شدن فرزندان در خانواده و نهادهای آموزشی به درستی صورت نگیرد ، مسأله جوان گرایی اعتیاد و پائین آمدن سن روسپیگری دور از ذهن نیست به عبارتی ، بد کارکردی در فرایند

اجتماعی شدن که نیازمند کسب گرایش ها ، ارزشها ، مهارتها و شناخت کافی برای ایفای نقشهای اجتماعی است می تواند موجب بی سازمانی اجتماعی و در شرایطی نیز کجرفتاری شود . مسائل جامعه ای دارای ریشه های عمیق تاریخی اند و در پیدایش آنها تنها به نقش افراد و گروههای خاص نمی توان بسنده کرد اما می توان به سهم و تأثیر بیشتر برخی از گروهها و نهادهای اجتماعی اشاره داشت .

بر خلاف این دو دسته مسأله عام ، مسائلی نیز وجود دارند که مربوط به وضعیت فردی و ارتباط شخص ، یا دیگران است . در مسائل فردی ، صرفاً ارزشهای مورد قبول فرد تهدید می شود و به همین دلیل برای شناخت این مسائل ، با مراجعه به افراد و مطالعه وضعیت آنها می توان برای رفع مشکل ، برنامه ریزی و چاره اندیشی کرد . اما هنگامی که ارزشهای عامه تهدید می شوند دیگر نمی توان از مسائل فردی نام برد و برای شناخت مسائل ، باید فراسوی آدمیان رفت و در قالب شرایط جامعه و ساختار اجتماعی موجود به تحلیل مسائل پرداخت . بر این اساس وقتی در یک جمعیت صد هزار نفری ، یک نفر در سال دست به خودکشی می زند می توان از مسأله ای فردی نام برد و با مطالعه وضعیت و شرایط فرد به اقدامات طبیبانه و فردی پرداخت .

اما هنگامی که در همین جمعیت از سالهای ۱۳۶۸ به بعد در استان ایلام و قم ((خودسوزی)) از یک ، به شصت و هشت نفر رسید و در قشر زنان و دختران رواج

نهادهای مرتبط همخوانی دارد. به عبارتی، تا زمانی که نهادهای آموزشی بر تفاوت‌های مربوط به جنس پای می فشارند و مردان را تنها تأمین کننده معاش و زنان را وابستگان صرف، معرفی می کنند. مسأله ازدواج‌های رضایت بخش و فزونی طلاق‌ها، خارج از راه حل‌های فردی است.

#### مسائل جامعه‌ای و آسیب‌های اجتماعی

بر اساس آنچه که گذشت، مسائل جامعه‌ای و نتایج حاصل از آن که زمینه‌های آسیب دیدگی افراد و انحرافات اجتماعی را فراهم می سازد، ناشی از وضعیت نامطلوب ساختار اجتماعی است که بر پیکر جامعه آسیب رسانده، موجب می شود که بسیاری از افراد و گروه‌های اجتماعی به آرمانها و هدفهای مطلوب خویش دست نیابند. در چنین وضعیت و شرایطی، جامعه نیز از همبستگی لازم برای تنظیم روابط متقابل و موازین سلوک افراد عاجز می ماند و در نتیجه مقررات و موازینی که موجب تنظیم این روابط اجتماعی است نادیده گرفته می شود و بر این اساس هنجارهای اجتماعی، مقررات و ارزش‌های مورد توجه جامعه یا به درستی به نسل‌های بعدی منتقل نمی شوند یا این انتقال، به دشواری صورت می گیرد. از این رو هنگامی که مسائل جامعه‌ای زمانی دراز دوام یابند، موجب پیدایش دو مسأله اساسی دیگر می شوند. نخست اینکه مسائل جامعه‌ای به بی سازمانی اجتماعی دامن زده، زمینه‌های مستعد را برای مسأله‌ای دیگر به نام کجروی‌ها و آسیب‌های اجتماعی فراهم می سازد. به رغم وجود تمایز هر یک از این مسائل، بی سازمانی و کجروی اجتماعی با یکدیگر کنش متقابل دارند و هر یک در باز تولید دیگری ایفای نقش می کند. (تولایی، ص ۵۱).

یافت دیگر نمی توان از مسأله‌ای فردی نام برد و نسخه‌های روانپزشکی نوشت بلکه باید ((خودسوزی)) را در ارتباطی هماهنگ با ساختار مستعد اجتماعی و شبکه روابط موجود در بین نهادهای آموزشی و خانوادگی بررسی نمود و به جای تمرکز بر فرد ((خودسوز)) بر ساختار آسیب زای جامعه درنگ کرد. بر همین روال نیز در جامعه‌ای حدود شصت و پنج میلیون نفر جمعیت وقتی شمار معتادان از مرز دو میلیون نفر گذشت و در گروه و قشر جوان نیز رواج یافت تمرکز بر (معتاد) به جای اندیشیدن بر پدیده اعتیاد ساده اندیشی و گریز از واقعیت‌هاست و پنهان سازی آنها. اینک که ادبیات پدیده شناسی به ادبیاتی خاموش مبدل شده و به جای بررسی پدیده اجتماعی اعتیاد و روسپیگری، بر معتادان و روسپیان نظر دارد و برای مسائل جامعه‌ای، نسخه‌های فردی پیچیده می شود، نتیجه آن نیز بی حاصلی است. در چنین شرایطی، ساختار جامعه است که فروریخته و نهادهای آن دچار بدکارکردی شده اند از این رو برای تحلیل درست پدیده‌های مزبور باید بر ساختار جامعه، نهادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تمرکز نمود نه احوال و ویژگیهای فردی خفاشان شب و رانست خواران روززیرا تأکید بر ویژگیهای فردی عاملان رفتار و اصرار بر روانشناسی گرایی، خفاش به کرکس و کرکسان به خون آشامانی دیگر مبدل می گردند و دور باطلی طی می شود. موضوع طلاق نیز، مسأله‌ای جامعه‌ای است. در تمامی ازدواج‌ها، زن و شوهرها ممکن است با گرفتاریهای فردی روبرو شوند. اما هنگامی که نسبت طلاق در چهار سال اول زندگی به بیست و پنج درصد ازدواجها رسید، این وضعیت، نشانه‌ای از مسأله‌ای ساختاری است که با نهاد ازدواج و نهاد خانواده و دیگر

، بر اثر اجبار به رفتارهای متناقض برای دست یابی هدفهای مشروع خود دچار مشکل ساخته ، مانع دست یابی هدفهای مطلوب جمعی و فردی می شود .

#### بحث و نتیجه گیری

از آنچه که در بحث مسائل جامعه ای گذشت به روشنی می توان دریافت که در بین اصحاب اندیشه جامعه شناسی ، توافق کاملی درباره مفهوم مسائل جامعه ای وجود ندارد اما این بدان معنا نیست که در اساس با یکدیگر مخالفند ، زیرا جملگی بر موارد زیر نظر دارند :  
(تولایی ، ص ۱۹) .

— شاخص اصلی مسائل جامعه ای ، اختلاف اساسی میان " معیار های اجتماعی " و " واقعیت اجتماعی " است . — اختلاف میان آنچه که در جامعه " هست " و آنچه که مردم " می پندارند باید باشد " .

— مسائل جامعه ای دارای منشأ اجتماعی یکسانند .

— مسأله قضاوت کنندگان در مورد مسائل جامعه ای . — مردم و گروههای اجتماعی که مسائل را مطرح می کنند .

— مسائل جامعه ای نهان و عیان . — مسائل نهان ، گاهی خود متغیر اصلی مسائل عیان اند .

— درک اجتماعی از مسائل جامعه ای .

— مهار پذیری مسائل جامعه ای . بر اساس نیاز سنجی قشرهای مختلف ، با اقدامی جمعی می توان به اصلاح کارکرد نهادها پرداخت .

برای اینکه جامعه ای بتواند بر گرده مسائل جامعه ای ، مهار کنترل نهد نخست باید جای خویش را در پهنه زمان بیابد و وضعیت تاریخی خود را از نو محک زند و به جای فشار بر شهروندان به اطاعت از کارکرد نهادها

مسائلی نظیر جوان گرایی معتادان ، به خیابان سپردن خردسالان ، اختلاس های کلان ، فرار از منزل دختران ، بازدهی پائین شاغلان ، فقر مطلق و نسبی عریان ، بی اعتمادی به مسؤلان ، مهاجرت اندیشمندان و همچنین مسائل نظام آموزشی ، مسائل عام فرهنگی ، نابجاگماری ، تملق گوئی شخصیت پرستی و بسیاری از مسائل نهان دیگر که سنگ های زیرین مسائل عیان اند نظیر تهدیدها ، تهمت ها ، هویت سازی ها علیه صاحبان تفکر و اندیشه جملگی حاکی از شرایط ناهنجار و حتی آسیب شناختی است که به بی سازمانی اجتماعی می انجامد که خود ناشی از اختلال و ضعف در نظام پایگاهها و نقش های اجتماعی است و بر اثر این اختلال ، هدف ها و آرمانهای مشروع افراد و گروههای اجتماعی یا تحقق نمی یابد و یا به رغم تمام تلاشهایی که می شود به اندکی از هدفهای خویش دست می یابند . در این شرایط قواعد و الگوهای اجتماعی رفتار به تدریج ناپدید می گردند و بر اثر آن آسیب های اجتماعی به شکل های گوناگون باز تولید می شوند زیرا آنچه که در یک ساختار اجتماعی در تقویت بی سازمانی مؤثر است ، از بین رفتن بسترهای کارآمد ارتباط متقابل بین مردم و نظام اجتماعی است . در چنین سپهری آنچه که از نظر وجدان جمعی و مناسبات اجتماعی ، ارزنده است ، دستخوش تمنیات فردی قرار می گیرد و توان نابسامانی تقویت و شرایط باز تولید انواع کجروی ها فراهم می شود . تأملی اندک بر قواعد رفتاری ایجاد شده بین پسران و دختران جوان و چند چهره ای شدن آنها فرایند این باز تولید را نشان می دهد . سرانجام با نگاهی عمیق می توان دریافت که وجود مسائل گوناگون جامعه ای ، حتی افراد و گروههای اجتماعی را هم که با نقش های مربوط به پایگاههای اجتماعی خود همونوا هستند

، به نیاز سنجی دوباره همت گمارد و نهادها را ملزم به پاسخگویی کمال مطلوب شهروندان سازد. با فروریختن قالب های کهنه و ناکارآمد به نفع شأن و منزلت انسان ، نیازهای واقعی درک می شود ، بسترهای لازم برای کمال مطلوب ها فراهم و از پیدایش مسیرهای انحرافی و کجرویها کاسته می شود ،

قالب از ما هست شد نی ما ازو

باده از ما مست شد نی ما ازو

اینک در جامعه ما بر اثر تداوم مسائل جامعه ای و بی تفاوتی نسبت به آنها ، انحرافات و کجروی های اجتماعی ، جنبه هایی جدید به خود گرفته اند . روسپیکری در قالب تعاریف پیشین ، رنگ باخته ، سن این پدیده از بیست و هفت سالگی به زیر بیست سالگی کاهش پذیرفته ، اما اگر اسیر قالب ها و تعاریف گذشته باشیم ، ابعاد نهان آن ناشناخته می ماند و در آینده ای نه چندان دور با نموده های تازه ای از این کجروی ها مواجه می شویم و زمانی به خود می آئیم که مسأله به بحران مبدل شده . هم اکنون نیز تنها جرائم کیفری که به زندان انجامیده ، رقمی بین صد و پنجاه هزار تا سیصد هزار نفر را در بر گرفته ، جرائم اجتماعی نیز بیش از یکصدونود درصد رشد داشته است . (توسلی ، ص ۳۰) .

آفت این بی تفاوتی ها تنها به حرمان خلاقان و متفکران منتهی نمی شود ، که موجب عدم دلبستگی و تعلق به هنجارهای اجتماعی شده ، متفکران و فرداپردازان ، حب سرزمینی دیگر را بر آن خویش مقدم می دارند و هجرت اندیشمندان رخ می نماید و بر اثرات مخرب مسائل جامعه ای می افزاید ،

سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است درست

نتوان مُرد به حسرت که من اینجا زادم

راه دیگر برون رفت از این ورطه ، فراهم آوردن فضایی است تا فرهنگ ابتکار و فعالیت بر جای شخص پرستی و تملق نشیند ، ریا و تمکین به شجاعت و وظیفه شناسی رخت کشد . کار و بازدهی شاغلان ، منزلت یابد و کرامت انسان درک شود . سرانجام با اصلاح نظام اطلاع رسانی و فراهم ساختن آزادی اندیشه و کلام به عنوان روشی برای مدیریت های سلامت و کارآمد در سطح کلان جامعه ، افراد هوشمند و خلاق که دارای " مهارت " اند ، نه " ارادت " جذب ساختار مدیریتی شده ، مدیریت مشارکتی و خلاق چهره می نماید و در فضایی اجتماعی با کاهش و کنترل مسائل جامعه ای ، نابسامانیها و آسیب های اجتماعی ، به سختی امکان وجود می یابند .

منابع

مرتون ، رابرت ، ک مشکلات اجتماعی و نظریه های جامعه شناختی ، ترجمه . نوین تولایی . تهران : انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۶  
نامه انجمن جامعه شناسی ایران ، ص ۳۰ شماره ۳ ، سال

۱۳۸۰